View the original article

فراتر از خبر

یک روز از زندگی زنان در زندان‌های بلاروس

بخش بلاروس رادیو اروپای آزاد / رادیو آزادی

۲۱/آبان/۱۴۰۵



تصویری از پالینا شارندا-پاناسیوک، فعال مدنی زندانی، هنگام گذراندن دوران محکومیت خود در زندان گومل، در حال کار در یک کارخانه تولید پوشاک

هر روز ساعت شش بامداد، پیامی از یک بلندگوی دوران شوروی پخش می‌شود و چراغ‌ها روشن می‌شوند و ۲۰ تا ۴۰ زن را که روی تخت‌های دوطبقهٔ سلولی در زندان شمارهٔ چهار در گومل (جنوب‌شرقی بلاروس) خوابیده‌اند، از خواب می‌پراند.

این زندان یکی از دو زندان زنان در این کشور است که احتمال می‌رود در پی قانونی که برای عفو با تمرکز ویژه بر زنان در نظر گرفته شده، به‌زودی شمار زندانیانش کاهش یابد.

هنوز مشخص نیست چه تعداد از زندانیان از این عفو بهره‌مند خواهند شد. در حال حاضر چند هزار زن زندانی هستند که از این میان ۱۱۱ نفر از سوی گروه حقوق بشری «وسنا» که در تبعید فعالیت می‌کند، «زندانی سیاسی» تعریف شده‌اند.

در گومل، زنانی که به اتهام‌های سیاسی محکوم شده‌اند باید روی تخت بالایی بخوابند و برای مشخص شدن وضعیت‌شان باید برچسب زرد به لباسشان بزنند.

دو تن از این زنان، ناستا لویکا، فعال حقوق بشر، و پالینا شارندا-پاناسیوک، فعال مدنی، زندگی روزمرهٔ خود در زندان را برای سرویس بلاروس رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی شرح دادند.

هر دو در گومل زندانی بودند و شارندا-پاناسیوک همچنین در زارچا، حدود ۱۰۰ کیلومتری غرب این شهر، در حبس بود. زارچا یک پایگاه نظامی سابق است که زندانیان پیشتر حبس‌کشیده را در خود جای داده و در هر سالن آن ۷۰ تا ۱۰۰ زن نگهداری می‌شوند.

بر اساس آمار وسنا، در حال حاضر ۹۱ زن در گومل و تنها یک زن در زارچا زندانی سیاسی محسوب می‌شوند.

دوختن اونیفورم

پس از بیدار شدن، زندانیان باید آماده شوند. لویکا گفت در یکی از بندها ۱۰۰ زن از هفت دستشویی و چهار توالت به‌طور مشترک استفاده می‌کردند.

او گفت: «در ۲۰ دقیقه، ۱۰۰ نفر باید تخت‌شان را به شکل ویژه "پاکت" مرتب کنند، لباس بپوشند، لباس خواب‌شان را به رختکن ببرند، به توالت بروند، دندان‌هایشان را مسواک بزنند و موهایشان را شانه کنند».

حدود ساعت ۶:۱۵ تا ۶:۲۰ صبح، زنان برای صبحانه که شامل فرنی، نان سفید و چای است، در صف می‌ایستند. کسانی که آخر از همه می‌رسند، حدود ۱۰ دقیقه برای خوردن وقت دارند. کار از ساعت هشت صبح آغاز می‌شود، اما پیش از آن زنان باید برای بازرسی در حیاط صف بکشند. کسانی که برچسب زرد دارند، در ردیف‌های جلو می‌ایستند.



ناستا لویکا، فعال حقوق بشر، در ورشو پایتخت لهستان در ماه آوریل

در گومل، این به‌صف‌شدن می‌تواند برداشتی کوتاه از دنیای بیرون به آن‌ها بدهد، چون بلوک‌های آپارتمانی از بالای چند ردیف حصار زندان دیده می‌شوند.

لویکا گفت: «ما پنجره‌های این خانه‌ها را می‌بینیم. وقتی روز سال نو یا تعطیلات است، مردم کلی تزئینات، قلب و ستاره آویزان می‌کنند. بسیار زیبا بودند».

پس از آن، پیش از ورود به کارخانه، بازرسی‌های تصادفی انجام می‌شود.

لویکا گفت: «وقتی دکمه‌های کاپشن‌تان را باز می‌کنید، جیب‌هایتان را وارسی می‌کنند و کل بدن‌تان را دست می‌زنند».

بیشتر زنان در یک کارخانه تولید پوشاک کار می‌کنند. آن‌ها اونیفورم‌ها را برش می‌زنند، می‌دوزند و اتو می‌کنند. جایی در کارگاه برش، یکی از پردرآمدترین مشاغل را دارد و ماهانه بیش از ۱۰۰ روبل (حدود ۳۰ دلار) درآمد دارد. برای زنانی که انتقال پول از خانه برایشان ممنوع است، مانند کسانی که در «فهرست رسمی تروریست‌ها» قرار دارند، این مبلغ مایهٔ آسودگی است.

حدود ساعت سه بعدازظهر، شیفت اول کارگاه‌ها را ترک می‌کند و شیفت دوم وارد می‌شود. صرف ناهار هنگام ظهر است و حدود یک ساعت طول می‌کشد.

در زارچا کار مشابه است، اما در این‌جا زنان برای ارتش روسیه و نیروهای امنیتی بلاروس اونیفورم می‌دوزند. شارندا-پاناسیوک گفت بر پایهٔ تجربهٔ او، در زارچا دیگر محکومان با زندانیان سیاسی رفتار بهتری داشتند، آن‌ها را از خبرچین‌ها مطلع می‌کردند و می‌کوشیدند تحریک‌شان نکنند.

او گفت: «از نظر روانی، آن‌جا راحت‌تر بود».



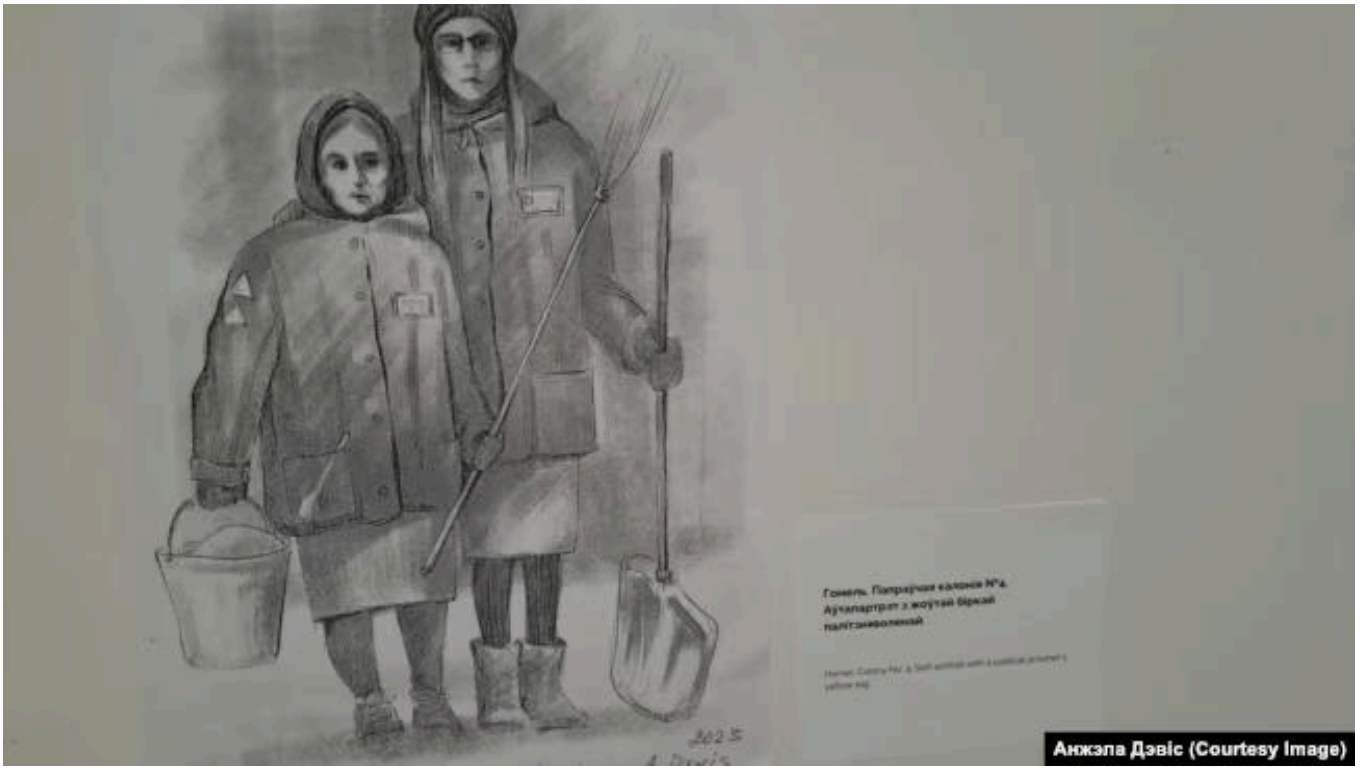
پالینا شارندا-پاناسیوک، فعال مدنی، در ورشو پایتخت لهستان در سپتامبر ۲۰۲۵

شارندا-پاناسیوک به یاد آورد که در زارچا فقط سه بار به زندانیان گوشت سرد داده شد. وقتی پرسیده شد منظورش سه بار در هفته است یا در ماه، پاسخ داد: «سه بار در سال». گاهی زنان پیاز، هویج، چغندر و کلم پوسیده را زیر و رو می‌کردند تا ویتامین‌هایی را که در جیره غذایی زندان نبود، به دست بیاورند.

او گفت: «همین چغندر یا هویج را برمی‌داشتند؛ همه‌اش توی خاک بود. آن را به اجاقی که تقریباً هیچ‌وقت شسته نمی‌شد می‌بردند و چیزی از آن می‌تراشیدند. بعد این سبزیجات کثیف را می‌خوردند. پیاز را هم پوست می‌کندند و می‌خوردند».

پس از پایان کار، زندانیان مقداری وقت آزاد برای مطالعه یا نوشتن نامه دارند. در گومل، تماشای «برنامه‌های آموزشی» تلویزیون دولتی اجباری است. ساعت چهار بعدازظهر دومین بازرسی روزانه انجام می‌شود و ساعت هشت شب سومین بازرسی، که فقط ویژهٔ کسانی است که برچسب زرد دارند.

یک کتابخانه، یک سالن ورزش، یک کلیسا و یک باشگاه هم وجود دارد که در آن مراسم و کنسرت برگزار می‌شود، اما زندانیان سیاسی اغلب به این امکانات دسترسی ندارند.



خودنگاره یکی از زندانیان پیشین گومل که برچسب زرد اجباری خود را بر لباسش دارد، در نمایشگاهی در ویلنیوس در سال ۲۰۲۴

یکشنبه‌ها زنان اجازه دارند دوش بگیرند. به هر نفر ۱۵ دقیقه وقت داده می‌شود.

لویکا گفت: «روزی که برای حمام می‌رویم، خودبه‌خود کمی دلپذیرتر است». از دیگر لحظه‌های خوشایند می‌توان به یک روز خرید در هفته و تماس با بستگان، سه بار در ماه، اشاره کرد. ملاقات‌های طولانی با عزیزان (از یک تا سه روز) سه بار در سال مجاز است.

مجازات‌ها

با این حال، هرکدام از این امتیازها در صورت تخلف ممکن است لغو شود. کسانی که متهم به نقض قوانین زندان شوند ممکن است به سلول انفرادی تنبیهی نیز فرستاده شوند؛ اتاقی سرد و بتنی.

تخلف‌ها می‌تواند شامل کارهای بسیار پیش‌پاافتاده‌ای مانند در آغوش گرفتن کسی، قرض گرفتن دستمال توالت، باز گذاشتن دکمهٔ بالای لباس یا صحبت کردن در حین بازرسی باشد.

لویکا گفت شیءانگاری و آزار زنان از سوی نگهبانان مرد نیز مشکلی جدی بود. گاهی این مردان زندانیان را از طریق دوربین‌های مداربسته تماشا می‌کردند.

او گفت: «وقتی عصرها برمی‌گشتیم، زنان لباس عوض می‌کردند. یکی از کارمندان نه‌تنها (از روی مانیتور) نگاه می‌کرد، بلکه اگر لباس زیر کسی سوراخ بود، درباره‌اش اظهارنظر هم می‌کرد... بعضی از کارمندان مرد (به بهانه) بررسی روشویی‌ها یا حتی توالت‌ها وارد می‌شدند».



نقاشی دیگری از یکی از زندانیان پیشین گومل در نمایشگاه ویلنیوس در سال ۲۰۲۴

لویکا افزود که یکی از مأموران بارها می‌گفت نشان‌های اجباری روی سینهٔ زندانیان کج است و آن‌ها را از روی لباس‌شان می‌کند.

شارندا-پاناسیوک از شرایط سخت کار در زارچا گفت؛ از جمله این‌که زنان را مانند اسب به یک گاری می‌بستند و وادار می‌کردند که بارهای سنگین بکشند. او گفت زندانیان سیاسی با اسکان در بندهایی همراه با زندانیانِ دچار بیماری روانی که ممکن بود خشونت‌آمیز رفتار کنند، تحت فشار مضاعف قرار می‌گرفتند.

ساعت ۹:۳۰ شب زندانیان می‌توانند به رختخواب بروند. ساعت ۱۰ شب کارگران شیفت دوم به سلول‌های خود بازمی‌گردند. شارندا-پاناسیوک از شتابی دیوانه‌وار برای زودتر رسیدن، دسترسی به روشویی و فرصت نوشیدن چای گفت.

او گفت: «کمی خنده‌دار به نظر می‌رسد، اما پشت این وضعیت خنده‌دار، یک فاجعهٔ بزرگ انسانی نهفته است».

وقتی همه به رختخواب رفتند، نه تاریکی کامل برقرار است و نه آرامشی در کار است: نگهبانان زندان در تمام طول شب در اتاق‌ها پرسه می‌زنند و چراغ‌قوه‌شان را به این‌سو و آن‌سو می‌تابانند.

این مطلب بخشی از:

جهان | بایگانی | فراتر از خبر | گزیده‌هایی از رادیو آزادی

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.